

هم سنجی تمایزیافتگی خود، روان بنه‌های ناسازگار نخستین و حمایت اجتماعی ادراک شده زنان دارای همسر و زنان جداشده

The comparison of self-differentiation, early maladaptive schema, and the perceived social support in the married women, and the separated spouses

Nasireh Moghadam Far *

Mahdiyeh Zokaie Ashtiyani **

نصیره مقدم فر *

مهديه ذكائي آشتiani **

چکیده

Abstract

The consequences of individual, family and social harm resulting from the separation of women in society are very significant. The present study was conducted to compare self-differentiation, early maladaptive schema and perceived social support of the married and separated women. This was a causal-comparative research and the statistical population consisted of the married and separated women of District 2 of Gorgan, Iran in autumn 2016, of whom, 100 (50 separated and 50 married women) were selected as the sample using the non-probability sampling method with an element of judgment. Data were collected using the Young' early maladaptive schema questionnaire 1998, the multidimensional scale of perceived social support Zimet, Dahlem, Zimet, and Farley 1988, and the Skowron and Friedlander' self-differentiation inventory 1998. In general, six questionnaires were incompletely answered by subjects and 11 cases were excluded due to normalization of data. Data were analyzed by multivariate analysis of variance analysis. The results showed that there was a significant difference between the two groups of perceived social support ($P < 0.039$, $F = 402.4$) and there was no difference between two groups of separated and married women in terms of self- differentiation ($P < 0.338$, $F = 0.079$) and early maladaptive schema ($P < 0.079$, $F = 3.157$). Research findings show that after separation, women encounter with some problems in understanding of the perceived social supports, emotional reactivity, and also in the cognitive domain, in some of the early maladaptive schema compared to the married women.

پیامدهای آسیب فردی، خانوادگی و اجتماعی برآمده از جدایی زنان از همسر در جامعه بسیار چشمگیر است. پژوهش حاضر با هدف هم سنجی تمایزیافتگی، روان بنه‌های ناسازگار نخستین و حمایت اجتماعی ادراک شده زنان دارای همسر و زنان جداشده انجام شد. روش پژوهش علی مقایسه‌ای و جامعه آماری زنان متاهل و جداشده منطقه دو شهر گرگان در پاییز ۱۳۹۵ بود؛ شمار ۱۰۰ نفر از آن‌ها ۵۰ نفر جداشده و ۵۰ نفر متأهل به روش غیر تصادفی هدفمند از نوع قضاوی به عنوان نمونه گزینش شدند. داده‌ها با ابزارهای روان بنه یانگ (۱۹۹۸) حمایت اجتماعی ادراک شده زمیت، داهلم، زمیت و فاردل (۱۹۸۸) و تمایزیافتگی خود اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸) گردآوری شد. داده‌ها با به کارگیری آزمون تحلیل ولریانس چند متغیره تحلیل شد. برآیندها نشان داد تفاوت حمایت اجتماعی ادراک شده وجود نداشت. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که زنان جداشده در هم سنجی با زنان متأهل در حمایت‌های اجتماعی ادراک شده، واکنش‌پذیری هیجانی و همچنین در برخی طرح‌واره‌های ناسازگار نخستین دچار مشکلاتی می‌شوند.

Key words: differentiation, women, social support, schema, separation

واژگان کلیدی: تمایزیافتگی، زنان، حمایت اجتماعی، روان بنه، جداشده

* نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد، گروه روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

Nasireh.moghadam@gmail.com

جداشده

** کارشناسی ارشد، گروه روان شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

مقدمه

عوامل گوناگونی بر استواری و دوام خانواده تأثیر می‌گذارند، در این میان تمایزیافتگی خود عبارت از توانایی به دست آوردن مهار هیجانی و در عین حال، ماندن در جو هیجانی خانواده است. این مفهوم روشنگر تراز توانایی فرد برای اندیشه واقع‌بینانه درباره موضوعات هیجانی در خانواده است و در برگیرنده گونه‌ای ظرفیت درون فردی برای تمایز کردن اندیشه و احساس و نیز توانایی میان فردی برای حفظ ناوابستگی درون بافت روابط عمیق با افراد برجسته زندگی است. تمایز، با توجه به کارکرد درون روانی، توانایی جداسازی فرآیندهای هیجانی از فرآیندهای عقلانی و با توجه به کارکرد میان فردی، توانایی آزمودن بی‌آلایشی همراه با ناوابستگی در روابط میان فردی و تعادل در خور میان آن‌ها تعریف می‌شود. برای تمایزیافتگی چهار مؤلفه واکنش‌پذیری هیجان، جایگاه من، گریز هیجانی و هم آمیختگی با دیگران مطرح شده است: نخست، واکنش‌پذیری هیجانی حالتی است که در آن، احساسات فرد بر خرد و خردورزی اش چیرگی دارد و تصمیم‌گیری‌های فرد تنها بر پایه واکنش‌های هیجانی صورت می‌گیرد. دوم، جایگاه من به معنای داشتن دیدگاه‌ها و باورهای روشن در زندگی است. افراد تمایزیافته از هویت شخصی نیرومند یا جایگاه من نیرومندی برخوردارند و برای کسب خوشنودی دیگران، رفتار و دیدگاه‌های خود را تغییر نمی‌دهند. سوم، گریز هیجانی، کودکانی که در فرآیند فرافکنی خانواده قرار می‌گیرند و به طور معمول در زمان بزرگ‌سالی یا حتی پیش از آن، از راهبردهای گوناگونی برای گریز از بند پیوندهای هیجانی حل نشده خانواده استفاده می‌کنند که این راهبردها می‌توانند جدایی گرفتن فیزیکی از خانواده یا ایجاد موانع روانی مانند گفتگو نکردن با یکی از اعضای خانواده باشد. چهارم، هم آمیختگی با دیگران، بوئن، تمایزیافتگی را روی پیوستار فرضی نشان می‌دهد که در یک طرف آن تمایزیافتگی و در طرف دیگر آن هم آمیختگی با دیگران قرار دارد. افراد هم آمیخته به شدت به تائید و پشتیبانی اطرافیان خود نیاز دارند و رفتارهایشان تحت تأثیر سیستم هیجانی محیط و واکنش اطرافیان شکل می‌گیرد. مفهوم تمایزیافتگی بنیاد دیدگاه نظام‌های خانواده بوئن است و اشاره به توانایی ایجاد تعادل میان نیروهای فکری و فرایندهای هیجانی در سطح درون روانی و ایجاد تعادل میان حفظ فردیت همراه با تجربه بی‌آلایشی در سطح میان فردی می‌کند. با توجه به چهار عامل واکنش هیجانی، موضع من (بعد درون روانی) و آمیختگی با دیگران و گسلش هیجانی (بعد میان فردی) افراد تمایزیافته و تمایز نایافته را می‌توان تمیز داد.

زن و مردی که سطح تمایزیافتگی پایینی داشته باشند، هنگامی که ازدواج می‌کنند، انتظار می‌رود بلوغ هیجانی کمتری را دارا و گنجایشی محدود برای بی‌آلایشی و یکی شدن داشته باشند. این مسئله نیازمند این می‌شود که هر دو نفر (زن و مرد) برای پایداری پیوند زناشویی‌شان رشد و خود رهبری‌شان را قربانی ازدواج کنند (متیارد، اندرسن و مارکس^۱؛ ۲۰۱۱؛ حامدی، خسروی، پیوسته گر، درویزه، خدابخش و صرامی، ۱۳۹۱؛ جمشیدی، سرو قد، ۱۳۹۴؛ طالبی، غباری بناب، ۱۳۹۱؛ محسینیان، کرملو، گنجوی، ۱۳۸۶؛ جهانبخشی، کلانتر کوش، ۱۳۹۱؛ جانکوفسکی، سندیچ^۲؛ ۲۰۱۱). در این راستا نجف لویی (۱۳۸۵) نشان داد که از میان خرد آزمون‌های تمایزیافتگی خود؛ واکنش هیجانی بیشترین رابطه را با تعارض‌های زناشویی دارد و همانندی تمایزیافتگی همسران نیز تائید شد و طالبی و غباری بناب (۱۳۹۱) دریافتند که میان خود متمایزسازی و رضایت زناشویی رابطه مثبت برقرار است.

در نظام‌های زناشویی تمایزیافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی نرم‌ش پذیر تر و رابطه‌ای دوستانه‌تر داشته باشند و ناهمسانی دیدگاه‌های یکدیگر را تحمل و واکنش هیجانی کمتری را تجربه کنند. به سخن دیگر، برای این که مشکلات کمتری داشته باشند در پاسخ به عواطف دیگران آرامش خود را حفظ کنند (حامدی و همکاران، ۱۳۹۱). این الگوها همه واکنش‌های هیجانی، شناختی و سازوکارهای رفتاری را متأثر می‌کنند و چنانچه که معیوب باشند، مایه ایجاد رفتارهای ناپسند می‌شوند، در این میان روان‌بنه‌های ناسازگار، الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب‌رسانی هستند که در آغاز رشد و تحول در ذهن شکل‌گرفته‌اند و در مسیر زندگی تکرار می‌شوند و رفتارهای ناسازگار در پاسخ به این روان‌بنه‌ها به وجود می‌آیند (پیوسته گر، خسروی، کرمی، ۱۳۹۵). یانگ^۳، ۱۹۹۰-۱۹۹۹، باور داشت برخی از این روان‌بنه‌ها به ویژه آن‌ها که بیشتر درنتیجه تجارب ناگوار دوران کودکی شکل می‌گیرند و شاید هسته اصلی اختلالات شخصیت قرار بگیرد (منصوری جلیلیان، یزدان بخش، ۱۳۹۳). روان‌بنه‌ها تا هنگامی که توسط ماشه چکان مهمی فعال نشوند، بی‌کنش هستند و هنگامی که فعال می‌شوند، موتور حرکت افکار خود آیند منفی می‌شوند و در راستای سودار کردن منفی اطلاعات عمل می‌کنند. به عبارت دیگر، روان‌بنه‌های شناختی به هنگامی که ادراک کننده، قادر اطلاعات واجد جزئیات درباره‌ی

1. Meteyard, Andersen, & Marx

2. Jankowski, & Sandage

هدف است، تأثیر بیشتری بر ادراک فرد دارند (شهامت، ۱۳۸۹؛ کریمی زارچی، ۱۳۹۰). روان بنه‌ها به گونه‌ای متناقض و اجتناب‌ناپذیر زندگی بزرگ‌سالی را به شرایط ناگوار دوران کودکی می‌کشانند، که غالباً برای بیماران زیان‌بخش بوده است تا اندازه‌ای مانند مفهوم‌سازی راتر ۱۹۹۶ از منع مهار بیرونی و دیدگاه سلیگمن ۱۹۷۱ از درمان‌گی آموخته‌شده روان بنه‌ها ممکن است این باور را گسترش دهنده که پیامد هراس‌انگیزی بی‌توجه به کوشش برای مهار پیامدهای آن، غیرقابل اجتناب است (جهان‌بخشی، کلاتر کوشه، ۱۳۹۱). روان بنه‌ها حالت ابعادی دارند، هرچه روان بنه‌ها شدیدتر باشد، شمار بیشتری از موقعیت‌ها می‌توانند آن را فعال کنند (کریمی زارچی، ۱۳۹۰). همچنین یانگ ۱۹۹۹، معتقد است که روان بنه می‌تواند مثبت، منفی، سازگار یا ناسازگار باشد و نیز می‌تواند در اوایل زندگی یا در سیر بعدی زندگی شکل بگیرد (تل، کیزللاک، بویسان^۱، ۲۰۱۵). وی مجموعه‌ای از روان بنه‌ها به‌ویژه آن‌هایی که عمدتاً درنتیجه تجارب ناگوار دوران کودکی به وجود می‌آیند را «روان بنه‌های ناسازگار نخستین» نامید و آن‌ها را الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب‌رسانی که در آغاز رشد در ذهن شکل گرفته و در سیر زندگی تکرار می‌شوند، تعریف کرد. روان بنه‌های ناسازگار نخستین زیر نام ساختارهای پردازش اطلاعات، مفهوم‌سازی شده‌اند و محصول خلق‌وحو و محیط فرد هستند (زفیرپلو، آواجیانو، واسیلیادو^۲، ۲۰۱۴). یک چارچوب شناختی ناکارآمد برای دیدن خود و دیگران اشاره داد، که ابتدا در پاسخ به وقایع ناگوار کودکی رشد می‌یابد (منصوری جلیلیان، یزدان بخش، ۱۳۹۳؛ منجم، آقا یوسفی، زارع، ۱۳۹۲) یانگ، کلاسکو و ویشر^۳، ۲۰۰۳، یک تعریف جدید از روان بنه ناسازگار نخستین ارائه دادند، یک الگو یا درون‌ماهی نافذ، فرآگیر و وسیع که از حافظه‌ها، هیجان‌ها، شناخت‌ها و احساسات بدنی درباره خود فرد و روابطش با دیگران تشکیل شده است (وانگ، هلیورسن، ایزمن، واترلو^۴، ۲۰۱۰). رفتارهای ناسازگار در پاسخ به این روان بنه‌ها به وجود می‌آید، ولی فرد بخشی از طرح‌واره محسوب نمی‌شود، بلکه رفتارهای ناسازگار در پاسخ به روان بنه به روان بنه به وجود می‌آیند و افراد به سمت وقایعی کشیده می‌شوند که با روان بنه‌هایشان همخوانی دارند (شهامت، ثابتی، رضوانی، ۱۳۸۹). در همین راستا منجم، آقا یوسفی و زارع (۱۳۹۲) دریافتند که می‌توان به کمک روان بنه‌های ناسازگار نخستین و تله‌های زندگی طلاق را پیش‌بینی

1. Tezel, Kislak, Boysan

2.Zafiropoulou, Avagianou, Vassiliadou

3.Wang, Halvorsen, Eisemann, Waterloo

نمود و بر پایه این الگو یک رویکرد پیشگیری از طلاق و درمان زناشویی بر پایه رویکرد روان بنه درمانی را تدارک دید.

با توجه به آموزش‌های نخستین کودکی یکی از پایه‌های بنیادین پایداری زندگی و شخصیت سالم برخورداری از حمایت اجتماعی است که می‌تواند زمینه تمایزیافتگی و ناوابستگی را در افراد گسترش بخشد، حمایت اجتماعی ادراک احساس تعلق داشتن و مورد مهر قرار گرفتن است. احساس مهر از ویژگی‌های اصلی آن است (تمنائی فر، لیث، منصوری نیک، ۱۳۹۲؛ حاجی بکنده و تقی پور، ۱۳۸۹؛ جوکار، نیک پور، ۱۳۸۸). ساراسون^۱ آن را مفهومی چندبعدی می‌داند که هر دو بعد واقعی و تصویری و بر در دسترس بودن و کیفیت روابط با افرادی را در بر می‌گیرد (رسمی و همکاران، ۱۳۸۹). مفهوم حمایت اجتماعی ادراک شده به حمایت از دیدگاه ارزیابی شناختی فرد از روابطش اشاره دارد. برایر این تعریف حمایت اجتماعی مفهومی است که به دامنه ارتباطات متقابل میان فردی توجه دارد و هر چه تراز مبادلات میان فردی بیشتر باشد، تراز حمایت اجتماعی که فرد دریافت می‌دارد، افزون‌تر خواهد بود و عکس این همبستگی نیز صادق است. جنبه مهم این حمایت این است که یک پیام یا تجربه ارتباطی به معنای حمایت نیست مگر اینکه دریافت کننده نیز چنین برداشته را داشته باشد. بنا بر تعریف، حمایت اجتماعی دو جنبه یا دو بعد بنیادی دارد: فاعلی (ذهنی) و عینی، بعد فاعلی به تصویری اطلاق می‌گردد که فرد از افراد موثر دارد که می‌توانند به طور بالقوه در موقع درمانندگی و ناچاری وی را مساعدت نماید. بعد عینی حمایت اجتماعی به اندازه مساعدت‌ها و همیاری‌های ارائه شده به فرد بستگی دارد هر نوع تغییر یا بروز مصیبتی در زندگی فرد، از جمله منابع فشاری است که ممکن است موجب پریشانی و نگرانی فرد شود (سلیمی، جوکار، نیک پور، ۱۳۸۸؛ لنمن پترز و همکاران^۲، ۲۰۰۵؛ رسمی و همکاران، ۱۳۸۹؛ لوانگ، پاچانا، مک لو گلین^۳، ۲۰۱۴). در حمایت اجتماعی دریافت شده اندازه حمایت‌های کسب شده توسط فرد مورد تأکید است و در حمایت اجتماعی ادراک شده، ارزیابی‌های فرد از در دسترس بودن حمایت‌ها در موقع ضروری و موردنیاز بررسی می‌شود (پاموکا، میدن^۴، ۲۰۱۰؛ به نقل از

1. Sarason

2.Landman-Peters, and et al

3. Leung, Pachana, McLaughlin

4 Pamukçu, & Meydan

تمنائی فر، لیث، منصوری نیک، ۱۳۹۲). باررا^۱، چاسین^۲ و روقوش^۳، ۱۹۹۳ در مطالعه‌ای مطرح کردند که حمایت اجتماعی بالا و همچنین حمایت بالای والدین با سلامت روان بهتر و شادکامی مرتبط است (یانگ، هیو سوک^۴، ۲۰۱۶). همچنین حمایت اجتماعی بالا به خصوص حمایت بالا از طرف اعضای خانواده با حس رضایت و شادمانی مرتبط است (آسلمن، ویچن، ارلر، مارتینی^۵، ۲۰۱۶)؛ و بر پایه پژوهش‌های حاجی بکنده و تقی پور (۱۳۸۹) حمایت اجتماعی ادراک شده بر وضعیت جسمی، روانی بر رضایت از زندگی افراد اثرات زیادی دارد و به عنوان یک عامل تعديل کننده مؤثر در رویارویی با رخدادهای تنش‌زایی زندگی شناخته شده است.

به طور کلی خانواده یک نظام اجتماعی است که دست کم سه نسل را در بر می‌گیرد. رابطه اعضای این خردمندی‌ها همبستگی‌ای عمیق و چندلایه است که بیشتر بر پایه تاریخچه مشترک، ادراک‌ها و انگاره‌های مشترک و درونی شده درباره جهان و اهداف مشترک بنانهاده شده است (تمنائی فر، لیث و منصوری نیک، ۱۳۹۲). در چنین نظامی، مردم به وسیله گرایش‌ها و دلبستگی‌های هیجانی نیرومند، دیرپا و متقابل با یکدیگر پیوند یافته‌اند و ممکن است از شدت این گرایش‌ها و دلبستگی‌ها در طی زمان کاسته شود، ولی باز هم گرایش‌های یادشده در سراسر زندگی به ماندگاری خود ادامه خواهد داد اهمیت شناخت و بررسی سازه‌هایی که مایه پایداری و استواری این نهاد اجتماعی می‌گردد، می‌تواند گامی سودمند در راستای بالا بردن تراز غنای فرهنگی مردم باشد و با توجه به کمبود پژوهش‌های موجود و گستره نقش خانواده، زنان و پیامدهای برآمده از جدا شدن از همسر پژوهش حاضر درصد پاسخگویی به سؤالات زیر است.

۱. آیا میان تمایز یافتنگی در جامعه بانوان متأهل و جداشده تفاوت وجود دارد؟
۲. آیا میان روان بنه های سازش نایافته نخستین در جامعه بانوان متأهل و جداشده تفاوت وجود دارد؟
۳. آیا میان حمایت اجتماعی ادراک شده در جامعه بانوان متأهل و جداشده تفاوت وجود دارد؟

1. Barerra

2. Chassin

3. Rogosh

4 Young-Ok, Hyo-Sook

5. Asselmann, Wittchen, Erler, Martini

روش

روش انجام این پژوهش توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای یا پس رویدادی است. نمونه آماری این پژوهش دربرگیرنده ۱۰۰ نفر از زنان جداشده و متأهل (۵۰ جداشده و ۵۰ نفر متأهل) مراجعه کننده به کلینیک خدمات روان‌شناسی «اوچ» شهرستان گرگان در پاییز ۱۳۹۵ بود که به روش غیر تصادفی هدفمند از نوع قضاوتی گزینش شدند. پس از ارائه توضیحاتی به افراد درباره هدف پژوهش و جلب اعتماد آزمودنی‌ها و دادن اطمینان به آنان از وجود شرایط لازم برای اجرای درست آزمون‌ها و پژوهش اقدام به نمونه‌گیری شد. همه آزمودنی‌ها در دو گروه زنان جداشده و متأهل با ابزارهای پژوهش ارزیابی شدند. معیارهای ورود به مطالعه دربرگیرنده، جنسیت زن، متأهل و جداشده از همسر بودن، ساکن شهر گرگان، موافقتنامه در خصوص شرکت افراد در طرح پژوهش، عدم وجود مشکلات جسمی، اختلالات حاد روانی و خلقی مهار نشده معیارهای خروج از مطالعه نیز تکمیل ناقص و محدودش ابزارها، وجود بیماری بدنی و اختلالات روان روان‌پزشکی مهار نشده که ادامه فعالیت و همکاری را با مشکل مواجه نماید در نظر گرفته شد.

ابزارها

سیاهه تمایزی‌افتگی خود^۱. سیاهه تمایزی‌افتگی خود دارای ۴۳ آیتم بوده و توسط اسکورون و فریدلندر در سال ۱۹۹۸ ساخته شده است که دربرگیرنده چهار مؤلفه واکنش‌پذیری هیجانی، جایگاه من، گریز هیجانی و هم‌آمیختگی با دیگران است و در طیف لیکرت ۶ درجه‌ای پاسخ داده می‌شود. مؤلفه واکنش‌پذیری هیجانی (۱، ۱۴، ۱۰، ۱۸، ۲۱، ۲۶، ۳۰، ۳۴، ۳۸، ۴۰) بازتاب‌دهنده درجه‌ای است که فرد به محرك محیطی با حساسیت بیش از حد یا با تغییرپذیری هیجانی پاسخ می‌دهد. مؤلفه جایگاه من (۱۱، ۱۵، ۱۹، ۲۳، ۲۷، ۳۱، ۳۵، ۴۱، ۴۳) که در کنار تعریف واضح حس خود، میزان وفاداری به عقاید شخصی را در هنگامی که فرد مجبور به انجام اقدام متضاد با باورهای خود است، مشخص می‌کند. مؤلفه گریز هیجانی (۲، ۳، ۸، ۱۲، ۱۶، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۲، ۳۶، ۳۹، ۴۲) نشان‌دهنده احساس ترس از

1. differentiation of self inventory

صمیمت و احساس آسیب‌پذیری بیش از حد در ارتباط با دیگران است. سرانجام مؤلفه هم آمیختگی با دیگران (۵، ۹، ۱۳، ۱۷، ۲۲، ۲۵، ۲۹، ۳۳، ۳۷)، نشان‌دهنده درگیری در روابط بیش از حد هیجانی با دیگران است. این سیاهه با مقیاس لیکرت در یک طیف شش گزینه‌ای از یک (اصلًا در مورد من صحیح نیست) تا شش (کاملاً در مورد من صحیح است) درجه‌بندی شده است. به هر سؤال نمره‌ای میان ۱ تا ۶ تعلق می‌گیرد. به این صورت که به گزینه ۱ نمره ۱ و به گزینه ۶ نمره ۶ داده می‌شود. حداکثر نمره ۲۷۶ است. نمره کمتر در این سیاهه نشان‌دهنده سطوح پایین تر تمایز یافته‌گی است. هنجاریابی این سیاهه در ایران توسط شریفی (۱۳۹۳) پایایی پرسشنامه تمایز یافته‌گی خود از طریق آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۷ به دست آمد. روایی سازه پرسش نامه با تحلیل عامل بررسی شد، مقدار کفايت نمونه‌برداری (KMO) برابر با ۰/۷۷۱ بود. روایی این پرسشنامه مورد تائید متخصصان و در پژوهش‌های اسکورن (۲۰۰۰)، اسکورن و اسمیت (۲۰۰۳) تأیید شده است. در پژوهش اسکورن و اسمیت (۲۰۰۳) پایایی کل آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و پایایی مؤلفه‌های واکنش‌پذیری هیجانی، جایگاه من، گریز هیجانی هم آمیختگی هیجانی با دیگران، به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۶، ۰/۸۱، ۰/۸۴، ۰/۸۱، ۰/۸۰ برآورد شد. پایایی در پژوهش کریمی، علیزاده و میرزایی، (۱۳۹۲) برای واکنش هیجانی ۰/۸۱، ۰/۷۷، ۰/۷۸، آمیختگی با دیگران ۰/۷۸ و جایگاه من ۰/۶۴ به دست آمده است. در این پژوهش پایایی به روش آلفای کرونباخ برای واکنش هیجانی ۰/۶۰، گریز هیجانی ۰/۶۲، آمیختگی با دیگران ۰/۵۲ و جایگاه من ۰/۴۹ به دست آمده است.

سنجه چندوجهی حمایت اجتماعی ادراک شده.^۱ سنجه حمایت اجتماعی ادراک شده یک ابزار ۱۲ گویه‌ای است که به منظور ارزیابی حمایت اجتماعی ادراک شده از سه منبع خانواده (۱۱، ۴، ۸)، دوستان (۶، ۷، ۹، ۱۲) و افراد مهم در زندگی (۱، ۲، ۵، ۱۰) توسط زمیت، داهلم زمیت فارلیمیت، فارلی ۱۹۸۸ تهیه شده است. این مقیاس میزان حمایت اجتماعی ادراک شده فرد را در هر یک از سه حیطه مذکور در طیف ۵ گزینه‌ای کاملاً مخالفم، یک تا کاملاً موافقم، پنج می‌سنجد. نمره هر زیر مقیاس نیز از حاصل جمع نمرات گویه‌های مربوط به آن تقسیم بر تعداد گویه‌های آن مؤلفه به دست می‌آید. روایی و پایایی این مقیاس توسط زمینت و همکاران در حد مطلوب گزارش شده

1. multidimensional scale of perceived social support

است. رستمی، شاه محمدی، بشارت واکبری زرده خانه (۱۳۸۹) ضریب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های حمایت اجتماعی را میان ۰/۷۶ تا ۰/۸۹ به دست آورده‌اند. همچنین همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ برای خانواده، دوستان و شخص مهم به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۹۰، ۰/۸۷ به دست افشاری ۱۳۸۶ برآورد شد (به نقل از کرمانی، ۱۳۸۸). در این پژوهش پایایی به روش آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های خانواده، دوستان و افراد مهم زندگی به ترتیب برابر با ۰/۷۶، ۰/۷۱ و ۰/۶۷ به دست آمده است.

فرم کوتاه پرسشنامه روان بنه یانگ^۱ این پرسشنامه ۷۵ ماده‌ای به دست یانگ (۱۹۹۸) برای ارزیابی ۱۵ روان بنه ناسازگار نخستین ساخته شده است. این روان بنه‌ها عبارت‌اند از: رهاشدگی / بی‌ثباتی (۶ تا ۱۰)، بی‌اعتمادی / بدرفتاری (۱۱ تا ۱۵)، انزوای اجتماعی / بیگانگی (۱۶ تا ۲۰)، کاستی / شرم (۲۱ تا ۲۵)، محرومیت هیجانی (۱ تا ۵)، وابستگی / بی‌کفایتی (۳۱ تا ۳۵)، آسیب‌پذیری در برابر بیماری (۳۶ تا ۴۰)، خود تحول نایافته / گرفتار (۴۱ تا ۵۰)، شکست (۲۶ تا ۳۰)، شایستگی / بزرگ‌منشی (۴۶ تا ۵۰)، پیروی (۵۰ تا ۵۴)، از خود گذشتگی (۵۱ تا ۵۵)، بازداری (۶۶ تا ۷۰)، خودمهاری ناکافی (۷۱ تا ۷۵)، معیارهای سرسختانه / بیش انتقادی (۶۱ تا ۶۵). این پرسشنامه را در ایران آهی هیجانی (۵۶ تا ۶۰)، معیارهای سرسختانه / بیش انتقادی (۶۱ تا ۶۵). این پرسشنامه را در گروه مذکور (۱۳۸۵) ترجمه و آماده اجرا کرده و همسانی درونی آن را بر حسب آلفای کرونباخ در گروه مذکور ۹۸ درصد و در گروه مؤنث ۹۷ درصد گزارش کرده است. در پژوهش پیوسته گر و شیروانی (۱۳۹۰) آلفای کرونباخ به ترتیب برای محرومیت هیجانی برابر با ۸۰ درصد، برای طرد / رهاشدگی برابر با ۸۷ درصد، برای بی‌اعتمادی / بدرفتاری برابر با ۷۷ برای کاستی / شرم ۸۳ درصد، برای ازدواجی اجتماعی برابر با ۷۰ درصد، برای آسیب‌پذیری در برابر بیماری برابر با ۷۳ درصد، وابستگی / بی‌کفایتی برابر برای ۸۰ درصد، برای گرفتاری / در دام افتادگی برابر با ۷۱ درصد، برای پیروی برابر با ۷۰، برای از خود گذشتگی برابر با ۷۱ درصد، برای بازداری هیجانی ب برای با ۷۹ درصد، برای معیارهای سرسختانه ۷۸ درصد، برای شایستگی برابر با ۶۶ درصد و برای / کاستی خویشتن‌داری و

1.schema questionnaire -short form

نیو انصباط کافی برابر با ۷۱ درصد به دست آمد. اشمیت و همکاران برای هر روان بنه ناسازگار اولیه نرخ آلفای ۰/۸۳ تا ۰/۹۶ را به دست آوردن و نرخ باز آزمایی در جمعیت غیر بالینی میان ۰/۵۰ تا ۰/۸۲ به دست آمده است. پژوهش یانگ و لانگ (۱۹۹۸) نیز ساختار عاملی و روایی سازه این سنجه را تائید کردند. در این پژوهش پایایی به روش آلفای کرونباخ برای رهاشدگی / بی ثباتی ۰/۸۳، بی اعتمادی / بدرفتاری ۰/۷۹، انزوای اجتماعی / بیگانگی ۰/۸۴، کاستی / شرم ۰/۷۹، محرومیت هیجانی ۰/۸۲، وابستگی / بی کفایتی ۰/۸۳، آسیب‌پذیری در برابر بیماری ۰/۷۹، خود تحول نایافته / گرفتار ۰/۷۶، شکست ۰/۸۵، شایستگی / بزرگ‌منشی ۰/۷۳، خودکنترلی ناکافی ۰/۸۱، پیروی ۰/۸۰، از خود گذشتگی ۰/۸۱، بازداری هیجانی ۰/۵۱، معیارهای سرسختانه / بیش انتقادی ۰/۸۵ به دست آمده است.

شیوه اجرای پژوهش

فرایند نمونه‌گیری به صورت انفرادی و با هماهنگی در کلینیک روانشناسی «اوج» شهر گرگان انجام گردید و از آزمودنی در ابتدا فرم رضایت‌نامه آگاهانه دریافت گردید. سپس توضیحات مقدماتی به آزمودنی‌ها درباره نوع و نحوه تکمیل ابزارهای پژوهش داده شد و پس از جمع‌آوری داده‌ها از ابزارها مشخص گردید که تعداد ۶ پرسشنامه از دو گروه ناقص تکمیل شده است، برای تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) استفاده شد، در بررسی بهنجاری داده‌ها برای شناسایی داده‌های پرت از آزمون جعبه‌ای و کولموگروف- اسمیرنوف و برای حذف داده‌های پرت از آزمون ماهانویس^۱ استفاده شده است. درنهایت با به کار گیری روش تحلیل واریانس چند متغیره مانوا تعیین تفاوت دو گروه بررسی شد و داده‌ها به وسیله نرم‌افزار SPSS تحلیل شد.

یافته‌ها

با توجه به برآیندهای میانگین سنی گروه زنان جدادشده برابر با ۲۷/۸ و برای گروه زنان متأهل ۲۶/۶ بود، کمینه سطح سواد دو گروه دیپلم و بیشینه کارشناسی ارشد بوده‌اند و در گروه زنان جدادشده

1.Mahalanobis distance

شمار ۳۴ نفر شاغل و در گروه زنان متأهل ۳۱ نفر شاغل بوده‌اند. میانگین مدت جدایی از همسران سه سال بود، شمار ۴۱ نفر از زنان جداسده دارای یک فرزند بودند، ۳۸ نفر از زنان متأهل نیز دارای یک فرزند و نه نفر دارای دو فرزند و سه نفر دارای سه فرزند بودند. متوسط درآمد زنان شاغل جداسده یک میلیون بود و همچنین متوسط درآمد زنان شاغل متأهل یک میلیون و دویست بود.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار تمایز یافته‌گی خود و مؤلفه‌های آن

انحراف معیار	میانگین	گروه	متغیر
۱/۵۸	۱۲/۷۵	جداسده	تمایز یافته‌گی خود
۱/۵۸	۱۳/۵۱	متأهل	
۳/۰۰	۱۹/۸۵	جداسده	واکنش پذیری هیجانی
۳/۱۹	۱۹/۲۸	متأهل	
۴/۳۶	۱۹/۲۱	جداسده	جایگاه من
۴/۳۷	۱۹/۰۰	متأهل	
۳/۹۱	۱۶/۸۷	جداسده	گریز هیجانی
۳/۸۸	۱۹/۳۵	متأهل	
۴/۱۶	۱۹/۸۷	جداسده	هم‌آمیختگی با دیگران
۴/۱۶	۱۹/۶۱	متأهل	
۱/۴۲	۳/۶۹	متأهل	

جدول ۲. میانگین، انحراف معیار حمایت اجتماعی ادراک شده مؤلفه‌های آن

انحراف معیار	میانگین	گروه	متغیر
۱۰/۶۷	۴۳/۰۶	جداسده	حمایت اجتماعی ادراک شده
۷/۸۶	۴۷	متأهل	
۱/۴۳	۲/۷۰	جداسده	حمایت خانواده
۱/۱۲	۳/۳۵	متأهل	
۱/۵۴	۲/۷۳	جداسده	حمایت دوستان
۱/۱۱	۳/۳۳	متأهل	
۱/۶	۳/۵۱	جداسده	حمایت افراد مهم
۱/۱۹	۴/۴۵	متأهل	

جدول ۳. میانگین، انحراف معیار مؤلفه‌های روان بنه‌های ناسازگار نخستین مؤلفه‌های آن

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار
روان بنه‌های ناسازگار	جداشده	۱۵۵	۳۸/۴۹
نخستین	متأهل	۱۴۲/۱	۳۸/۲۱
رهاشدگی / بی ثباتی	جداشده	۲/۵۸	۰/۸۰
بی اعتمادی / بدرفتاری	متأهل	۲/۵۹	۰/۷۹
از زوای اجتماعی / بیگانگی	جداشده	۳/۴۸	۱/۰۰
کاستی / شرم	متأهل	۳/۴۷	۰/۹۹
محرومیت هیجانی	جداشده	۳/۳۶	۱/۰۶
وابستگی / بی کفایتی	متأهل	۳/۳۵	۱/۰۵
آسیب پذیری در برابر بیماری	جداشده	۲/۱۷	۱/۷۸
خود تحول نایافته / گرفتار	متأهل	۳/۳۰	۱/۵۵
شکست	جداشده	۳/۶۳	۱/۴۳
شاپیستگی / بزرگ منشی	متأهل	۳/۶۹	۱/۴۲
خودکنترلی ناکافی	جداشده	۱/۸۵	۱/۳۱
پیروی	متأهل	۳/۲۱	۱/۵۷
از خود گذشتگی	جداشده	۲/۳۶	۱/۲۶
بازداری هیجانی	متأهل	۲/۶۹	۱/۴۲
معیارهای سرسختانه / بیش	جداشده	۲/۳۶	۱/۲۴
انتقادی	متأهل	۲/۰۲	۱/۲۱
دو فصلنامه آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده	جداشده	۲/۰۰	۱/۱۷
دو فصلنامه آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده	متأهل	۳/۰۴	۰/۹۸
دو فصلنامه آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده	جداشده	۳/۵۱	۱/۰۹
دو فصلنامه آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده	متأهل	۳/۳۳	۰/۹۵
دو فصلنامه آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده	جداشده	۳/۳۹	۱/۰۴
دو فصلنامه آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده	متأهل	۳/۲۸	۱/۱۱
دو فصلنامه آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده	جداشده	۴/۰۹	۱/۴۲
دو فصلنامه آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده	متأهل	۴/۳۳	۱/۱۴
دو فصلنامه آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده	جداشده	۱/۵۵	۱/۲۰
دو فصلنامه آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده	متأهل	۳/۷۸	۱/۴۴

جدول ۴. آزمون باکس، پیش فرض همگنی واریانس‌ها

۴۰۶/۶۲۱	آزمون باکس
۱/۱۴۱	تحلیل واریانس
۲۵۳	درجه آزادی ۱
۱۹۹۶۳/۱۹۹	درجه آزادی ۲
۰/۰۶۲	معنی‌داری

جدول (۴) نبود معنی‌داری آزمون همگنی کوواریانس‌ها آزمون باکس و نبود معنی‌داری همسانی واریانس‌ها توسط آزمون لوین را نشان می‌دهد با احتمال قوی می‌توان گفت داده‌ها همسان و مفروضات تحلیل واریانس چند متغیره رعایت شده است.

جدول ۵. برآیندهای تحلیل واریانس چند متغیره بر روی تفاصل نمرات مؤلفه‌های تمایزی‌افتگی خود، حمایت اجتماعی ادراک‌شده، روان بنه در دو گروه زنان جداسده و متأهل

اثرات	اندازه	F	درجه آزادی	خطای درجه آزادی	P	اندازه	اثر	آندازه آزمون
اثر پلایی	۰/۰۷۰۷	۶/۵۷۱	۲۲	۶۰	۰/۰۷۰۷	۱۴۴/۵۵۶	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
لامبادایی ویلکز	۰/۰۲۹۳	۶/۵۷۱	۲۲	۶۰	۰/۰۷۰۷	۱۴۴/۵۵۶	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
گروه اثر هتیلینگ	۲/۴۰۹	۶/۵۷۱	۲۲	۶۰	۰/۰۷۰۷	۱۴۴/۵۵۶	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
بزرگ‌ترین ریشه خطأ	۲/۴۰۹	۶/۵۷۱	۲۲	۶۰	۰/۰۷۰۷	۱۴۴/۵۵۶	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰

جدول (۵) نتایج برآمده از تحلیل واریانس چند متغیره بر روی تفاصل نمرات مؤلفه‌های تمایزی‌افتگی خود، حمایت اجتماعی ادراک‌شده، روان بنه در دو گروه زنان جداسده و متأهل را نشان می‌دهد. همه آزمون‌های مانوا (اثر پلایی $F=0.707$ ، لامبادایی ویلکز $F=0.293$ ، اثر هتیلینگ $F=2/409$ ، بزرگ‌ترین ریشه خطأ $F=2/409$ در سطح $P<0.001$) معنی‌دار می‌باشند، بر این پایه می‌توان بیان داشت دست کم در یکی از مؤلفه‌های تمایزی‌افتگی خود، حمایت اجتماعی ادراک‌شده و روان بنه‌های ناسازگار نخستین در دو گروه زنان جداسده و متأهل تفاوت معنی‌داری وجود دارد. برای پی بردن به این تفاوت تحلیل واریانس یک‌راهه در متن مانوا انجام گرفت که نتایج برآمده از آن در جدول شماره پس از این گنجانده شده است.

جدول ۶. برآیندهای تحلیل واریانس یکراهه در متن مانوا بر روی تفاصل نمرات مؤلفه‌های تمایز یافته‌ی خود، حمایت اجتماعی ادراک شده، روان بنه در دو گروه زنان جداشده و متائل

منبع پراکندگی	متغیرها	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	معنی داری	مجذورات اثر	توان آزمون
حمایت ادراک شده		۳۹۱/۵۱۳	۱	۳۹۱/۵۱۳				-۰/۴۷
حمایت خانواده		۸۷۶	۱	۸۷۶	۵/۲۹۱	-۰/۰۴	-۰/۰۳۹	۴/۴۰۲
حمایت دولستان		۷/۰۹	۱	۷/۰۹	۴/۱۲۷	-۰/۰۴۵	-۰/۰۴۸	۴/۱۲
حمایت افراد مهم		۱۸۳۳۹	۱	۱۸۳۳۹	۸/۶۰۴	-۰/۰۰۴	-۰/۰۹۶	۸/۶۰
تمایز یافته‌ی خود		۲۷۵۱	۱	۲۷۵۱	۰/۹۳۶	-۰/۰۱۰	-۰/۰۲۶	-۰/۰۱۹
و اکشن پذیری هیجانی		۶/۶۲۹	۱	۶/۶۲۹	۰/۶۹۵	-۰/۰۹	-۰/۰۹۵	-۰/۱۳۱
جایگاه من		۳۲۰	۱	۳۲۰	۰/۰۱۷	-۰/۰۰	-۰/۰۹۷	-۰/۰۵۲
گریز هیجانی		۱۲۷/۵۰	۱	۱۲۷/۵۰	۸/۳۶۹	-۰/۰۰۵	-۰/۰۹۴	-۰/۱۸۶
هم آمیختگی ادینگران		۱۸۹۲	۱	۱۸۹۲	۰/۰۸۰	-۰/۰۰۱	-۰/۰۷۸	-۰/۰۵۹
روان بنه‌های نسل‌آلر		۴۶۲۵۷۶۴	۱	۴۶۲۵۷۶۴	۳/۱۵۷	-۰/۰۳۲	-۰/۰۷۹	-۰/۱۴۰
رهانشدنگی / ای ثباتی		۱۰۲	۱	۱۰۲	-۰/۰۰۳	-۰/۰۰	-۰/۰۵۵	-۰/۰۵۰
ی اعتمادی / بردقتانی		۱۰۳	۱	۱۰۳	-۰/۰۰۳	-۰/۰۰	-۰/۰۵۸	-۰/۰۵۰
ازدواج اجتماعی / بیگانگی		۱۰۲	۱	۱۰۲	-۰/۰۰۱	-۰/۰۰	-۰/۰۷۰	-۰/۰۵۰
کلستی / شرم		۲۶۹۰۶	۱	۲۶۹۰۶	۶/۶۱۰	-۰/۰۰۳	-۰/۰۰۳	-۰/۱۸۵
محرومیت هیجانی		۰۰۱	۱	۰۰۱	-۰/۰۰۱	-۰/۰۰	-۰/۰۸۱	-۰/۰۵۰
وابستگی / ای کفایتی		۳۸۴۰۹	۱	۳۸۴۰۹	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰	-۰/۱۸۴	-۰/۰۸۸
آسیب‌پذیری در برابر بیماری		۲۱۸۶	۱	۲۱۸۶	۱/۲۰۹	-۰/۰۲۵	-۰/۰۱۵	-۰/۱۹۲
خود تحول نایافته / گرفتار		۱۴۷۹۲	۱	۱۴۷۹۲	۶/۴۳۸	-۰/۰۱۳	-۰/۰۷۴	-۰/۰۷۸
شکست		۹۱۲	۱	۹۱۲	-۰/۰۷۶	-۰/۰۰۵	-۰/۰۴۲	-۰/۰۹۳
شاپیستگی / بزرگ‌منشی		۲/۴۲۷	۱	۲/۴۲۷	۱/۶۰۵	-۰/۰۹	-۰/۰۱۹	-۰/۰۴۰
خودکتری ناکافی		۲۱۷۲۲	۱	۲۱۷۲۲	۱۸/۵۴۴	-۰/۰۰۰	-۰/۰۸۶	-۰/۰۸۹
پیروی		۱۶۶۴	۱	۱۶۶۴	-۰/۶۲۸	-۰/۰۳۰	-۰/۰۰۸	-۰/۱۲۳
از خود گذشتگی		۰۲۷	۱	۰۲۷	-۰/۱۹۵	-۰/۰۰۲	-۰/۰۰۲	-۰/۰۷۲
بلازدی هیجانی		۱/۱۵۳	۱	۱/۱۵۳	-۰/۶۹۲	-۰/۰۰۸	-۰/۰۴۰	-۰/۱۳۰
معیارهای سرخтанه / بیش انتقادی		۱۰۲/۶۸	۱	۱۰۲/۶۸	۵/۷۰۹۶	-۰/۰۰	-۰/۰۱۸	-۰/۰۸۸

جدول (۶) نشان می‌دهد که در مجموع میان حمایت اجتماعی ادراک شده ($F=40.2/4, P<0.039$)، حمایت خانواده ($F=5/291, P<0.024$)، حمایت دولستان ($F=4/127, P<0.045$)، حمایت افراد مهم ($F=8/60.4, P<0.004$)، گریز هیجانی ($F=8/369, P<0.005$)، کاستی / شرم ($F=6/610, P<0.003$)، وابستگی / بی کفایتی ($F=18/270, P<0.000$)، خود تحول نایافته / گرفتار ($F=6/436, P<0.013$)، خودکتری ناکافی ($F=18/544, P<0.000$)، معیارهای سرخтанه / بیش انتقادی ($F=58/0.96, P<0.000$) در دو گروه زنان جداشده و متائل با توجه به تحلیل واریانس یکراهه در متن مانوا تفاوت

معنی داری وجود دارد. مندرجات جدول بالا تفاوت معنی داری را در گستره های دیگر تمایز یافته گی خود و روان بنه در دو گروه زنان را نشان نمی دهد.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف هم سنجی تمایز یافته گی خود، روان بنه های ناسازگار نخستین و حمایت اجتماعی ادراک شده در جامعه زنان جدا شده و متأهل انجام شد، نتایج حاصل از تحلیل واریانس چند متغیره بر روی تفاصل نمرات مؤلفه های تمایز یافته گی خود، حمایت اجتماعی ادراک شده، روان بنه های ناسازگار نخستین در دو گروه زنان جدا شده و متأهل را نشان می دهد؛ که با نتایج پژوهش های منجم، آقا یوسفی و زارع (۱۳۹۲)، طالبی و غباری بناب (۱۳۹۱)، نجف لویی (۱۳۸۵)، حسینی حاجی بکنده و تقی پور (۱۳۸۹) لونگ و همکاران (۲۰۱۴) و تمنایی فرو همکاران (۱۳۹۲) همسو است و نتایج پژوهش حاضر را تائید می کنند.

با توجه به وجود تفاوت معنی دار میان حمایت اجتماعی ادراک شده و مؤلفه های حمایت خانواده، حمایت دوستان و حمایت افراد مهم در زنان جدا شده و متأهل که در این پژوهش نشان داده شده است، گروه زنان جدا شده حمایت اجتماعی کمتری را در سنجش با گروه زنان متأهل دریافت می کنند و همچنین از لحاظ هیجانی خود را تمایز یافته تر ارزیابی می نمایند. در خانواده هایی که حمایت اجتماعی لازم در کودکی از سوی پدر و مادر وجود ندارد، ممکن است افراد در بزرگ سالی به خواسته های دیگران بیش از حد اهمیت دهنند و نیازهای خود را نادیده بگیرند و معیارهای سرسختانه و عیب جویی در آنها رشد یابد.

نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که زنان جدا شده در ابعاد روان بنه های ناسازگار؛ شرم، واپستگی، خود کنترلی و معیارهای سرسختی کمتری را دارا می باشند ولی در متغیر کلی روان بنه های ناسازگار نخستین تفاوت معنی داری مشاهده نگردیده است. از عوامل فرعی و پس زمینه ای افرون بر شخصیت، می توان به وجود روان بنه های ناسازگار نخستین و عدم حمایت در خور اشاره نمود که مایه آسان کردن جدایی و بازدارنده سازگاری با دیگر اعضای خانواده می گردد. همچنین گذشته ناخواسته و تجربه های تلغی زندگی زنان مانند بی اعتمادی به نزدیک ترین خویشان، رهاشدگی،

مورد سوءاستفاده نهاده شدن و احساس ناهمسان بودن با دیگران، روان بنه‌های مانند محرومیت هیجانی، رهاشدگی/ بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، کاستی/ شرم، شکست و انزوای اجتماعی/ یگانگی را در آن‌ها شکل داده است. هنگامی که روان بنه‌های ناسازگار نخستین فعال می‌شوند، سطوحی از هیجان منتشرشده و سرراست یا غیرمستقیم منجر به اشکال گوناگونی از آشفتگی‌ها و تعارضات میان فردی می‌برخی، برخی پژوهش‌های حوزه زناشویی نیز نشان داده‌اند که روان بنه‌های ناسازگار نخستین پیش‌بینی کنندگان نیرومندی برای ناسازگاری‌ها و جدایی هستند (جاناتیا، آگاهن بزرگی، آگاه هریس، ۱۳۹۳).

با توجه به این که در مؤلفه گریز هیجانی از متغیر تمایزیافتگی میان زنان متأهل و جداشده تفاوت معنی‌دار وجود دارد در تبیین این یافته می‌توان بیان نمود که افزایش تمایزیافتگی خود به فرد کمک می‌کند در موقعیت‌های گوناگون مهار موفقی داشته باشد و توانایی بیشتر در کسب جایگاه من در ارتباطات میان فردی، همراه با واکنش‌پذیری هیجانی افرون بر اینکه نشانه سطح بالای مهار موفق هستند، تضمین کننده بهبود سطح کیفیت زندگی هم می‌باشد. از دیدگاه بوئن تمایزیافتگی به فرد کمک می‌کند راه خود را ترسیم کند بدون آنکه همیشه از رهنماوهای دیگران پیروی نماید. افراد کمتر تمایزیافتگی از لحاظ هیجانی، بسیار واکنش‌پذیرند، باورهای تعریف شده‌ای برای خود ندارند. بهشت به حمایت دیگران نیازمندند، توانا به ساختن مرزها و حریم‌های شخصی سالم در پیوندهایشان نیستند به همین دلیل از ترس آشفتگی‌های برآمده از هم آمیختگی با دیگران و پیامدهای آن از برپایی ارتباط دوستانه و نزدیک شدن به دیگران گریزان‌اند و آماده مشکلات روان‌شناختی و بروز نشانه‌های بیماری هستند. زنان جداشده به دلیل اینکه سطوح پایینی از تمایزیافتگی را دارند، برای کسب خوشنودی دیگران رفتار و باورهای خود را تغییر می‌دهند و هیجانات و تأثیرپذیری از محیط در آن‌ها غالب است و اضطراب مزمن بالایی را تجربه می‌کنند و آن را در روابطشان نیز وارد می‌کنند افراد کمتر تمایزیافتگی، بیشتر انرژی‌شان را متوجه تجربه کردن و شدت بخشیدن به احساساتشان می‌سازند. آن‌ها در یک دنیای هیجانی به دام افتاده‌اند و در روابط نزدیکشان بیش از اندازه درگیر یا آمیخته با دیگران هستند و به جای در میان گذاشتن ارزش‌ها و دیدگاه‌های راستین، خود دروغین را بروز می‌دهند.

با در نظر گرفتن نتایج پژوهش حاضر ضروری است در باز توانی و آماده‌سازی زنان جداشده برای ورود به جامعه باید به مؤلفه‌های روان‌شناختی یادشده توجه کرد. روشن است که عدم حمایت‌های اجتماعی و عاطفی از آن‌ها سبب می‌شود به سمت رفتارهای نابهنجار سوق داده شوند، یافته‌ها و دستاوردهای پژوهش حاضر و پژوهش‌های همانند می‌تواند توسط کارآزمودگان گستره‌های مشاوره، روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی و کارگزاران بهزیستی جهت کمک به این گروه به کار گرفته شود. همچنین از راه برپایی کارگاه‌هایی در زمینه پیامدهای آسیب‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی زنان جداشده اطلاع‌رسانی کرد. در چنین کارگاه‌های آموزشی، به‌منظور ایفای نقش مناسب در بالا رفتن حمایت اجتماعی زنان جداشده و رشد درست طرح‌واره‌های آن‌ها می‌توان از مشاوران و روان‌درمانگران برای درمان اختلالات روانی این زنان با توجه به طرح‌واره‌های ناسازگار نخستین آنان استفاده شود. بی‌گمان پژوهش حاضر در محدوده خاصی انجام شده است و امکان مهار تمامی متغیرها مداخله‌گر در موقعیت پژوهش به دلیل گستردگی این متغیرها وجود نداشت. پس قابلیت تعمیم آن به تمامی افراد کاهش می‌یابد. از محدودیت‌های دیگر این پژوهش جمع‌آوری داده‌ها بر پایه پرسشنامه ابزار خود گزارش دهی و نمونه‌گیری در دسترس بوده است، که این گونه فرایند جمع‌آوری داده‌ها ممکن است منشأ سوگیری تک‌بعدی قرار گیرد. با این حال در پژوهش حاضر این شیوه تنها ابزار گردآوری داده بود. پیشنهاد می‌شود در آینده پژوهش‌های جامع‌تر در نمونه‌های گسترده‌تر و با متغیرهای دیگر روی نمونه موردنظر صورت گیرد. سپس‌گزاری. در پایان از کلیه شرکت کنندگان که در اجرای پژوهش حاضر با ما همکاری کرده و در تکمیل پرسشنامه‌ها وقت گذاشته و دقت لازم را به عمل آورده‌اند و همچنین کارکنان کلینیک خدمات روان‌شناختی «اوج» شهر گرگان تشکر و سپس‌گزاری می‌کنیم.

منابع

آهی، قاسم. (۱۳۸۵). هنجاریابی نسخه کوتاه پرسشنامه طرح‌واره یانگ. پایا نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.

پیوسته گر، مهرانگیز؛ خسروی، زهره؛ کرمی، الهه. (۱۳۹۵). رابطه روان بنه‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دل‌بستگی با خشونت مردان علیه همسران خود. *مطالعات روان‌شنختی*، (۱۲)، ۱-۱۲.

تمنائی فر، محمدرضاء؛ لیث، حکیمه؛ منصوری نیک، اعظم. (۱۳۹۲). رابطه حمایت اجتماعی ادراک شده با خودکارآمدی در دانش آموزان، *مجله روانشناسی اجتماعی*، (۲)، ۲۸-۳۹.

جمشیدی، مژگان؛ سرو قد، سیروس. (۱۳۹۴). نقش میانجی سبک‌های هویت در رابطه بین تمایزیافتگی خود و اعتیاد به اینترنت دانش آموزان دیبرستان‌های غیردولتی. *فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روان‌شنختی*، (۶)، ۲۰-۳۷.

جهان بخشی، زهراء؛ کلاترکوش، سید محمد. (۱۳۹۱). رابطه ابعاد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تمایزیافتگی با رغبت به ازدواج در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه. علامه. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، (۲)، ۲-۲۳۴.

حامدی، رباب؛ خسروی، زهره؛ پیوسته گر، مهرانگیز؛ درویزه، زهراء؛ خدابخش، روشنک؛ صرامی، غلامرضا. (۱۳۹۱). بررسی تمایزیافتگی خود و کیفیت رابطه با غیر هم جنس در دانشجویان مجرد. *مطالعات روان‌شنختی*، (۸)، ۴-۵۷.

حسینی حاجی بکنده، سید احمد؛ تقی پور، مليحه. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر سلامت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، (۳)، ۷-۱۵۰.

rstemi، رضا؛ شاه‌محمدی، خدیجه؛ قائدی، غلامحسین؛ بشارت، محمدعلی؛ اکبری زرد خانه، سعید؛ نصرت‌آبادی، مسعود. (۱۳۸۹). رابطه خودکارآمدی با هوش هیجانی و حمایت اجتماعی ادراک شده در دانشجویان دانشگاه تهران، *فصلنامه اقی دانش*، (۱۶)، ۳-۵۴.

سلیمانی، عظیمه؛ جوکار، بهرام؛ نیک پور، روشنک. (۱۳۸۸). ارتباطات اینترنتی در زندگی: بررسی نقش ادراک حمایت اجتماعی و احساس تنها‌یی در استفاده از اینترنت، *مطالعات روان‌شنختی*، (۵)، ۳-۸۱.

شهامت، فاطمه. (۱۳۸۹). پیش‌بینی نشانه‌های سلامت عمومی (جسمانی سازی، اضطراب و افسردگی) بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه. *پژوهش‌های نوین روانشناسی*، (۵)، ۲۰-۱۰۷.

شهامت، فاطمه؛ ثابتی، علیرضا؛ رضوانی، سمانه. (۱۳۸۹). بررسی رابطه سبک‌های فرزند پروری و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه. *مطالعات تربیتی و روانشناسی*، (۲)، ۲-۲۵۴.

طالبی، مریم؛ غباری بناب، باقر. (۱۳۹۱). تعیین تمایزیافتگی خود، هوش هیجانی و رضایت زناشویی در مراکز مشاوره شهر شاهرود (ترنم، صبا، روزبه، بهزیستی، بنیاد شهید و امور ایثارگران). *زن و مطالعات خانواده*، ۵، ۱۵-۳۷.

کریمی زارچی، مهدی. (۱۳۹۰). بررسی نقش واسطه‌ای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بین سبک‌های فرزند پروری ادراک شده و صفات شخصیتی خوشیه B. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

محسینیان، محمد؛ کرملو، سمیرا؛ گنجوی، آناهیتا. (۱۳۸۶). رابطه تمایزیافتگی خود و هوش هیجانی در متقارضیان طلاق، *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۳، ۱۲، ۸۲۷-۸۳۷.

منصوری جلیلیان، افسانه؛ یزدان بخش، کامران (۱۳۹۳). پیش‌بینی گرایش به سوء‌صرف مواد مخدر بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و کمال‌گرایی در دانشجویان، *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، ۸، ۳۲-۵۲.

منجم؛ عارفه؛ آقا یوسفی، علیرضا؛ زارع، حسین. (۱۳۹۲). مقایسه حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک فرزند پروری و تله‌های زندگی زنان جداشده با عادی. *مجله علوم رفتاری*. ۷(۲): ۱۱-۱۲.

نجف لویی، فاطمه. (۱۳۸۵). نقش «تمایز خود» در روابط زناشویی. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۴-۲۷، ۲(۳)-۲۷.

یوسفی نزاد شیروانی، مائدۀ؛ پیوسته گر، مهرانگیز. (۱۳۹۰). رابطه رضایت از زندگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در دانشجویان. *نشریه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۲(۱)، ۶۵-۵۵.

References

- Jankowski, P. J., & Sandage, S. J. (2011). *Spiritual dwelling and well-being: Mediator effects of differentiation of self in a sample of distressed adults. Mental Health, Religion, and Culture*, Advance online publication.
- Khater, M. EL., Gilany, H., EL-Belsha, M., Abdel-Moneim, A. (2011). Reliability of the Arabic version of the Young Schema Questionnaire short-form among orphanage residents, *J Psychiatr Alzheimer*, 2(1): 3- 7.
- Landman-Peters, K. and et al., (2005). Gender differences in the relation between social support, problems in parent- offspring communication, and depression and anxiety, *Social Sciences & Medicine*, 60 (25): 49- 59.

- Leung, J., Pachana, N. A., McLaughlin, D. (2014). Social support and health-related quality of life in women with breast cancer: a longitudinal study. *Psycho-Oncology*, 23 (9): 1014– 1020
- Meteyard, J. D., Andersen, K.L., & Marx, E. (2011). Exploring the Relationship between Differentiation of self and Religious Questing in students from Two Faith based Colleges. *Pastoral Psychol.* DOI: 1301337/s11383-311- 3431-4.
- Sandage, S. J., & Jankowski, P. J. (2010). Forgiveness, spiritual instability, mental health symptoms, and well-being: Mediator effects of differentiation of self, *Psychology of Religion and Spirituality*, 2, 168–180.
- Tezel, F. K., Kislak, S. T., Boysan, M. (2015). Relationships between childhood traumatic experiences, early maladaptive schemas and interpersonal styles. *Arch Neuropsychiatr*, 10 (16): 264- 291.
- Wang, E. A., Halvorsen, M., Eisemann, M., Waterloo, K. (2010). Stability of dysfunctional attitudes and early maladaptive schemas: A 9-year follow-up study of clinically depressed subject,. *J Behav Ther Exp Psychiatry*, 41(2): 389-96.
- Young-Ok, J., Hyo-Sook, Oh. (2016). The Effects of Social support, Self-efficacy and Perceived health status on Aging anxiety of the Middle-aged women, *Journal of Korean Public Health Nursing*, 30 (1): 30-41.
- Zafiropoulou, M., Avagianou, P. A., Vassiliadou, S. (2014). Parental bonding and early maladaptive schemas, *J Psychol Abnorm Children*, 3(1):1-6.
- Zimet, G. D., Dahlem, N. W., Zimet, S. G., & Farley, G. K. (1988). The Multidimensional Scale of Perceived Social Support. *Journal of Personality Assessment*, 52: 30–41.

References (In Persian)

- Ahi, Q (2006). *Standardization of the Young Schema Questionnaire short version. MA in Psychology, Tehran, Faculty of Psychology and Educational Sciences*, Allameh Tabatabaei University.
- Hosseini Haji Bakdadeh, S. A., Taghipour, M. (2016). The Effect of Social Support on Social Health of Female Heads of a Household, *Social Research*, 3 (7): 139- 158.
- peivastegar, M. Khosravi, Z. Karami, E. (2016). Primary maladaptive psychological relationship and attachment styles to male violence against their wives. *Psychological studies*,12 (1): 12- 25.
- Tamanayefar, M R. Laith, H. Mansouri Nik, A. (2013). The Relationship of Perceived Social Support with Self-efficacy in Students, *Journal of Social Psychology*, 2 (28): 39- 31.
- Jamshidi, M. Sarvghad, S. (2015). The role of mediator of identity styles in the relationship between self-differentiation and Internet addiction among high

- school students in nursing. *Quarterly Journal of Methods and Psychological Models*, (6), 20, 37-54.
- Gahanbakhshi, Z. Kalantrukushe, S M. (2012). The relationship between the dimensions of early maladaptive psychosis and differentiation with the desire for marriage in female students and university students, *Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 2 (2): 234-254.
- Hamedi, R. Khosravi, V. Peivastegar, M. Darvizadeh, Z. Khadabakhsh, R. Sarami, Gh. (2012). Study of self-differentiation and quality of relationship with non-sex in single students. *Psychological studies*, 8 (4): 57-71.
- Hosseini Haji Bokande, S A. Taghipour, M. (2010). The effect of social support on social health of female headed households, *Journal of Social Research*, 3 (7): 150- 140.
- Rostami, R. Shah Mohammadi, Kh; Ghaedi; Gh; Besharat; M A; Akbari Zard khaneh, S. Nosrat Abadi, M. (2010). The relationship between self-efficacy with emotional intelligence and perceived social support in students of Tehran University, *Afqn Danes Quarterly Journal*, 16 (3): 54- 46.
- Salimi, A; Jokar, B; Nikpour, R. (2009). Internet communication in life: the role of perceived social support and loneliness in the use of the Internet, *psychological studies*, 5 (3): 102- 81.
- Shahamat, F. (2010). Prognosis of general health symptoms (physicalization, anxiety and depression) based on early maladaptive psychosis, *Recent research on psychology*, 5 (20): 107-127.
- Shahamat, F. Sabeti, A. Rezvani, S. (2010). Relationship between parenting styles and early maladaptive schemas, *Educational Studies and Psychology*, 2 (2): 254- 239.
- Talebi, M. Ghobari Bonab, B. (2012). Determining self-differentiation, emotional intelligence and marital satisfaction at counseling centers in Shahrood, *Woman and Family Studies*, (5), 18, 15- 37.
- Karimi Zarchi, M. (2011). *An Investigation of the Mediating Role of Primary Maladaptive Mummies between Perceived Parenting Styles and Cluster Personality Traits*, BM. Thesis, Allameh Tabatabaei University.
- Mohsenian, M. Karamloo, S. Ganjavi, A. (2011). The relationship between self-differentiation and emotional intelligence in divorce applicants, *Quarterly Journal of Family Research*, 3 (12): 827- 837.
- Mansoori J. Afsaneh, Yazdan Bakhsh. (2014). Prognosis of Drug abuse tendency based on premature maladaptive schemas and perfectionism in students, *Drug addiction study journal Quarterly*, (8), 32: 52-62.

- Monajem, A.Aqa Yousefi, A.Zare, H. (2013). Comparison of primary maladaptive domains and parenting styles and life traps of women separated from normal, *Journal of Behavioral Sciences*, 7 (2): 11-12.
- Najaflooyi, F. (2008). The role of "self-differentiation" in marital relationships, *New Ideas in Education*, 2 (3): 27- 37.
- Yousefi Nejad Shirvani, M. Peivastegar, M; (2011). Relationship between the satisfaction of life and mental disadvantages in students, *Journal of Knowledge and Practice in Applied Psychology*, 2 (12): 65- 55.

